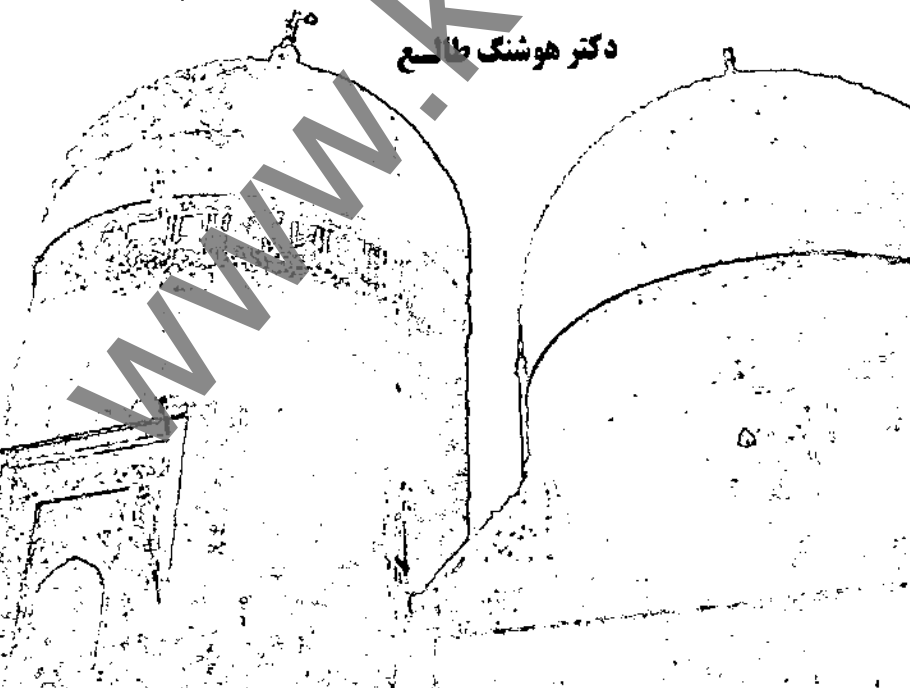


برآیند تفویض و بازسازی دولت فراقلمی

دکتر هوشنگ طالع



وضعیت فهرست نویسی : فیا کتاب نامه: ص ۲۰۹ - ۲۰۶ موضوع : عباس صفوی اول شاه ایران ۱۰۳۸ - ۹۷۸ ق رده‌بندی کنگره : ۴ ب ۱۱۷۶ / ۱۷ DSR رده‌بندی دیویی : ۹۵/۰۷۱ شماره کتاب‌شناسی ملی : ۱۳۱۳۵۶۴	سرشناسه : طالع، هوشنگ، ۱۳۱۲ عنوان و نام پدیدآورنده : برآمدن صفویان و بازسازی دولت فراگیر ملی / هوشنگ طالع مشخصات نشر: لنگرود - سمرقند، ۱۳۸۷ شابک: ۹۶۲-۷۷۷۵-۱۹-۹ مشخصات ظاهری : ۲۰۹ صفحه
---	--



انتشارات سمرقند

دکتر هوشنگ طالع

برآمدن صفویان

و بازسازی دولت فراگیر ملی

انتشارات سمرقند، چاپ نخست - ۱۳۹۱
شمارگان : ۱۰۰۰

طرح روی جلد: پرهون

صفحه‌آرایی : مریم‌السادات موسویان

حروفچینی : فاطمه سلطانی

شابک: ۹۶۲-۷۷۷۵-۱۹-۹

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

samarghandpub@yahoo.com

فهرست نوشته‌ها

۷	دیدنی نو بر تاریخ
۱۰	ایران بزرگ، آریانا، ایرنا، ایران
۱۵	پیش‌گفتار
۱۷	گفتار یکم : پیدایی دولت عثمانی
۲۳	گفتار دوم : پیدایش صفویان
۲۳	بخش یکم - از شیخ صفی تا شیخ جنید
۲۹	بخش دوم - از سلطان جنید تا شاه اسماعیل
۳۷	گفتار سوم : خان‌گاه صفی
۳۷	بخش یکم - پایگاه اجتماعی و پیروان خان‌گاه صفی
۴۱	بخش دوم - تور و ترک، توران و ترکان
۵۳	گفتار چهارم : بازسازی دولت فراگیر ملی
۶۵	گفتار پنجم : تجاوز عثمانی به سرزمین‌های ایران
۷۵	گفتار ششم : قراردادهای مرزی ایران و عثمانی (دوران صفویان)
۷۵	بخش یکم - نخستین قرارداد مرزی در غرب ایران زمین (صلح آماسیه)
۸۲	بخش دوم - جنگ‌های ۲۰ ساله (سراغاز تجزیه‌ی بخش‌هایی در غرب ایران زمین)
۹۴	بخش سوم - از قرارداد آماسیه تا قرارداد زهاب

سیاسی، اقتصادی و نظامی

بخش یکم - کودکی و نوجوانی پرفراز و نشیب

بخش دوم - بازسازی دولت فراگیر ملی

(سرکوب عثمانیان و ازبکان)

قرارداد اسلامبول

قرارداد دوم اسلامبول ۱۳۶

آشتی سراب

بخش سوم - ویژگی‌های برجسته‌ی دوران شاهعباس

بخش چهارم - اصلاحات داخلی

مبارزه با مفاسد اجتماعی

پررنگ کردن زندگی اجتماعی

شرکت دادن زنان در زندگی اجتماعی

بخش پنجم - الگویی برای جامعه

ساده زیستی و نگاهبانی اقتدار دولت و

شوکت کشور، برابر بیگانگان

بخش ششم - شاهعباس، پاس‌دار فرهنگ ایران زمین

بخش هفتم - پاس‌داشت جشن‌های ملی

جشن نوروز

جشن آبریزان (تیرگان)

جشن بهمن‌گان (بهمن‌جنه)

جشن اسفندگان

جشن گل سرخ (اردی‌بهشت‌گان)

بخش هشتم - شادی برای مردم

چوگان بازی

قیق اندازی

۱۷۵
۱۷۶
۱۸۱
۱۸۵
۱۸۹
۲۰۱

بندبازان و تردستان
آتش بازی و چراغانی
بخش نهم - شاه عباس و مردم
بخش دهم - آیین سپاهداری
بخش یازدهم - معماری و شهرسازی و آبادانی
کتاب نامه

www.ketab.ir

دیدنِ نو بر شناسایی تاریخ

موری بر تنه‌ی درختی لانه داشت. آوندی از آن درخت، چونان جویباری از کنار آن لانه می‌گذشت و همواره بر مور، زمزمه می‌کرد.

روزی آن مور، به پی‌جویی برخاست و با سنگینی خود، روی به پایین نهاد. همراه آوند برفت، تا به ریشه‌های درخت رسید. همراه آن ریشه‌ها، ژرفای زمین را کاوید و با دانش بسیار به لانه بازگشت. او می‌دانست که آوند، آن همه آب و خوراک را چگونه از دل خاک برمی‌گیرد.

مور دانشمند، روزی شاهین تیزی‌نی را از دانش خود با خبر ساخت. شاهین گفت: راست است، چنین می‌آورند اما، می‌دانی به کجا می‌برند؟ و می‌دانی اگر برای آن «بردن» نبود، هرگز نمی‌آوردند؟

(آزیر: ناسیونالیسم چون یک علم)

بیش‌تر مردم، درس تاریخ را شرح وقایع گذشته می‌دانند. با این برداشت، تاریخ به صورت درسی زاید و حدیثی بر مردگان جلوه‌گر می‌شود. گاه نیز به طعنه می‌نویسند: تاریخ مربوط به گذشته‌هاست، بهتر است از مسایل امروز، سخن بگوییم.

تاریخ، تنها شرح حوادث گذشته نیست، بلکه تاریخ علمی است برای توجیه هستی‌ها و رویدادهای امروز، در راستای شناخت سیمای مطلوب جهان فردا.

درست است که در بررسی‌های تاریخی، سروکارمان با گذشته است. اما این بدان منظور نیست که گذشته را تنها در قالب گذشته بشناسیم. پی‌جویی درباره‌ی علل موجودیت‌های کنونی، گاه ما را به زمان‌های نزدیک و گاه به زمان‌های بسیار دور

می‌کشاند.

فرآیند همین بررسی‌هاست که استعداد‌های یک ملت را برای حرکت به سوی آینده نشان داده و تاثیر هندادها (نظام‌ها) ی گوناگون فکری را بر پیکره‌ی ملت‌ها، آشکار می‌کند. سرانجام همین بررسی‌هاست که خمیرمایه‌هایی را که در آینده قابل به کارگیری خواهند بود، به ما می‌نمایاند. باید بدانیم که علم تاریخ و بررسی‌های تاریخی است که اراده‌ی ملت‌ها را در آینده‌ی آن‌ها، موثر می‌سازد.

واقعیت‌های جهان فردا، در قالب استعداد‌های جامعه امروز، وجود دارد.

مردم، می‌توانند با توجه به استعداد‌های موجود، به پرورش جنبه‌ی ویژه‌ای از آن پرداخته و جامعه را به سوی گزینه‌ای که استعداد آن را دارد، به حرکت آورند. علم تاریخ به معنای نوین آن، علمی است که استعداد‌های یک ملت را که واقعیت‌های جهان فردا خواهند بود، به ما می‌شناساند.

گفته شد که مردم می‌توانند از میان استعداد‌های موجود جامعه، جنبه‌ی ویژه‌ای از آن را توان بخشند. این سخن بدان معنا نیست که اجتماع می‌تواند هر تحولی را که دل‌خواه اوست، از قوه به فعل درآورد بلکه جامعه، تنها توان پیاده کردن برنامه‌هایی را دارد که موجبات آن در نهاد جامعه، آماده شده باشد.

در این برداشت از مساله، جامعه چونان شخصیتی است که می‌تواند استعدادی را بر استعداد دیگری ترجیح داده و در این فرآیند، به آینده شکل ویژه‌ای بخشد. عامل گزینش نیز، خود از پدیده‌ها و نهاد‌های اجتماعی است اما اثر آن، معطوف به آینده است. به گفته دیگر، اثری که گذشته و حال بر آینده می‌گذارند، موجب پدید آمدن نیرویی می‌گردد که کشش آن، بر زمان حال احساس می‌شود.

هنگامی که ساختمانی برپاست، می‌توان تاریخ ساخت آن را در قالب شرحی از حوادث گذشته، بررسی کرد. یعنی: می‌توان مشخص کرد که «پی» ساختمان در چه زمانی کنده شده، چه زمان دیوارهای آن را ساخته‌اند و چه زمان درهای آن را نصب کرده‌اند و... اما ساختمانی که هنوز ساخته نشده است، با کشش خود، برنامه‌ی کار را نشان می‌دهد. در اصطلاح می‌گویند: ساختمان به این تعداد «آجر»، به این تعداد «در» و... نیاز دارد.



گذشته‌ها، تنها امروز را نساخته اند، بلکه فردا را نیز خواهند ساخت. تاریخ به ما نشان می‌دهد که با چه استعدادی، امروز پدید آمده و با استعدادهای موجود، چگونه فردایی پدید خواهد آمد. سرانجام تاریخ به ما می‌نماید که کدام یک از حرکت‌هایی که امروز وجود دارد، ناشی از کشش جهان فرداست.

خواست‌های یک ملت، عبارت است از کشش‌هایی که جهان فردای آن ملت، بر مردم امروز تحمیل می‌کند. تحمیلی دل‌پذیر که امروز با هزاران وسیله، موجبات آن را فراهم می‌سازیم.

www.ketab.ir

ایران بزرگ، آریانا، ایرانا، ایران

قلمرو فرمان‌روایی «دولت ایران»، در درازای تاریخ این سرزمین، یعنی از چند هزار سال پیش تا کمابیش دو سده‌ی اخیر، پهنه‌ی «فلات ایران» بود.

فلات یا پشته (نجد) ایران، یک واحد شناخته‌شده‌ی جغرافیایی در سطح جهانی است. مرزهای فلات ایران، عبارتند از: آن سوی کوه‌های قفقاز در شمال باختری، رودخانه‌ی سیردریا در شمال خاوری. از خاوران، فلات پامیر و رود سند. از جنوب اقیانوس هند و دریای فارس و از باختر، رودخانه‌ی فرات.

در درازای سده‌ها پای‌تخت شاهنشاهی ایران در کرانه‌ی باختری دجله قرار داشت. از این رو، سرزمین میان‌رودان (بین‌النهرین) را «دل ایران» می‌نامیدند. این سرزمین پهناور که بیش از چهار میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد، در درازای چند هزار سال، قلمرو دولت ایران بود. البته در زمان‌های بسیار، این قلمرو، از پهنه‌ی فلات ایران فراتر رفته است و در زمان‌هایی نیز، چندین دولت ایرانی (در آرامش و یا جنگ و ستیز) در کنار هم در این پهنه، فرمان‌روایی داشته‌اند.

با ظهور دولت عثمانی در این بخش از جهان، هجوم دولت مزبور به سرزمین‌های دولت ایران، چندین سده به درازا کشید و به دنبال فراز و فرودهای بسیار در جنگ‌های میان دو دولت، بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران در باختر از دست رفت که مرزهای کنونی در غرب ایران‌زمین، حاصل آن است.